

مقدمه:

امتحان برای چیست؟ چه اهدافی دارد؟ چرا بعضی از دانش آموزان نسبت به امتحان حساسیت دارند و از آن دچار اضطراب می شوند؟ چگونه می توان در دانش آموزان نگرش مثبت و مطلوبی نسبت به امتحان ایجاد کرد؟ چگونه می توان از نتایج امتحان بهره بیش تری گرفت؟ دانش آموزان مطالب درسی را در چه سطحی باید یاد بگیرند؟

این ها سؤالاتی هستند که معلمان، پدران و مادران گاه از خود می پرسند و ذهن خود را به آن ها مشغول می دارند. در این مقاله برای پاسخ گویی به سؤالات مطرح شده، نخست از اهداف امتحان سخن به میان می آید و سپس در مورد تهیه سؤالات، برگزاری و تجزیه و تحلیل امتحان توصیه های لازم ارائه می شود.

چگونه عمل می کنند.

در نظام های آموزشی، از امتحان به عنوان یکی از شیوه های ارزشیابی از آموخته های دانش آموزان و فراگیران استفاده شده است. در نظام آموزشی کشور ما نیز امتحان دارای جایگاهی خاص بوده و در کل به عنوان ملاکی برای تشخیص و ارتقای دانش آموز از یک مرحله آموزش به مرحله دیگر محسوب گردیده است. اما آنچه مسلم است این که هر امتحان می تواند چندین هدف را دارا باشد.

اهداف امتحان

برای هر امتحان دو هدف کلی را می توان بیان داشت: یکی شناختن و دیگری شناساندن. در مورد اول یعنی شناختن، منظور و هدف ما آن است که فرد مورد نظر را در زمینه ای خاص (برای مثال در یک درس) بسنجیم و موقعیت، وضعیت و میزان دانایی او را در آن زمینه شناسایی کنیم. در هدف دوم یعنی شناساندن قصد داریم فرد یا دانش آموز را به خودش بشناسانیم تا او از حال و موقعیت خودش در موضوع یا زمینه مورد نظر اطلاع یابد. اما علاوه بر دو هدف ذکر شده، امتحان اهداف دیگری نیز در بر دارد که عبارتند از:

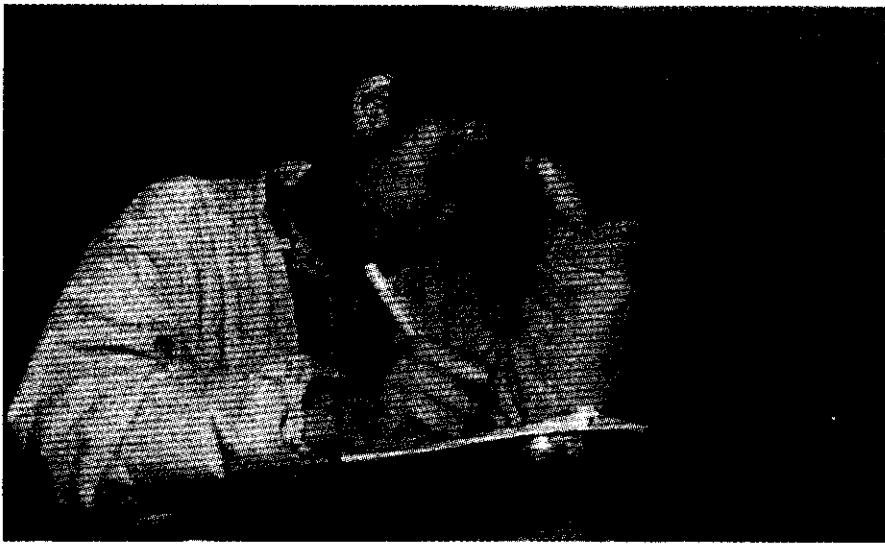
۱- کمک به یادگیری دانش آموز

امتحان چرا؟ و چگونه؟

حسن ثابتی

امتحان و نظام آموزشی

واژه امتحان از نظر لغوی به معنای آزمایش و آزمودن است. این واژه در قرآن کریم گاهی به معنی "ابتلا: به گرفتاری انداختن" و گاهی به معنی "تمحیص: غربال کردن، پاکیزه کردن" به کار رفته است. با توجه به معانی ذکر شده چنین بر می آید که حقیقت حال افراد روشن نمی شود مگر این که به سختی و گرفتاری دچار شوند. به عبارت دیگر برای روشن شدن حال و وضعیت افراد در زمینه های مشخص، آن ها را در موقعیت های خاص قرار می دهیم تا ببینیم



مطلب مورد نظر برای آنان حاصل نشده است. این عدم یادگیری ممکن است ناشی از دشواری مطلب تدریس شده، روش تدریس معلم و... باشد. به هر حال نتایج امتحان، پاسخی راهگشا و تعیین کننده برای نوع فعالیت بعدی معلم در امر آموزش خواهد بود. بعضی از سؤالاتی که معلم می تواند پاسخ آن ها را از نتایج امتحان به دست آورد عبارتند از: آیا لازم است مطالب قبلی دو مرتبه تدریس شود؟ آیا همان روش تدریس قبلی مناسب است؟ آیا دانش آموزان توان فهم مطالب درسی مورد نظر را دارند؟ ضعف و قوت اکثر دانش آموزان در کدام قسمت است؟ آیا برای فهم مطالب نیاز به وسایل کمک آموزشی دیگری است؟ آیا دانش آموزان به کلاس جبرانی نیاز دارند؟

با این وصف در یک جمله می توان گفت که معلم با نتایج حاصل از امتحان می تواند برنامه آموزش را متناسب با نیازهای بیش تر دانش آموزان تنظیم و ارائه نماید.

۲- کمک به دانش آموز برای آشنایی با هدف های آموزشی درس
می دانیم که هر درس به منظور تحقق اهدافی

۲- کمک به دانش آموزان برای آشنایی با هدف های آموزشی درس
۳- برانگیختن رغبت شاگردان به یادگیری
۴- تصمیم گیری برای شروع مراحل بعدی تدریس
۵- اصلاح روش تدریس
۶- ملاک ارتقای دانش آموزان و طبقه بندی آنان
(پاشا شریفی)

اکنون هر یک از اهداف ذکر شده را با دقت پیش تری مورد توجه قرار می دهیم.

۱- کمک به یادگیری دانش آموز:
اگر امتحان مطابق اصول علمی و به نحوی صحیح انجام شود می تواند وضعیت و میزان پیشرفت دانش آموزان را در یادگیری بر اساس هدف های درسی مشخص کند و نقاط قوت و ضعف آنان را به ما نشان دهد. به این ترتیب چنانچه معلم نتایج امتحان را تجزیه و تحلیل کند، می تواند پی ببرد که دانش آموزان چه قسمتی از درس را به خوبی نیاموخته اند. برای مثال اگر اکثر دانش آموزان یک کلاس نتوانسته باشند به سؤالی خاص پاسخ درستی بدهند، معلوم می شود که یادگیری

۳- برانگیختن رغبت شاگردان به یادگیری

در صورتی که امتحان از ابعاد مختلف و به گونه‌ای صحیح انجام گیرد و از نتایج آن درست استفاده شود، می‌تواند دانش‌آموزان را به مطالعه و یادگیری بیش‌تر تشویق کند. به همین سبب اولین قدم برای ایجاد رغبت در شاگردان، ایجاد نگرش مطلوب و مثبت در آنان نسبت به امتحان است. امری که لازم است به تدریج توسط معلم و به شیوه گفتاری و عملی انجام گیرد. نگرش مثبت در صورتی در دانش‌آموزان به وجود می‌آید که:

- معلم در تدریس خود از روشی استفاده کند که با علائق و ویژگی‌های دانش‌آموزان تناسب داشته باشد.
- رفتار معلم طوری باشد که نشان دهد امتحان به عنوان وسیله‌ای برای کمک به یادگیری دانش‌آموزان است، نه وسیله‌ای برای تهدید، سرکوب و تحقیر کردن و بر چسب زدن به آن‌ها.

- نتایج امتحان میزان پیشرفت دانش‌آموزان را نسبت به پیشرفت‌های قبلی‌اش مشخص کند و به او نشان دهد.

- همراه نتایج امتحان، ضمن مشخص کردن نارسایی‌های کار دانش‌آموز، راه حل و نحوه جبران نارسایی‌ها نیز به او ارائه و آموخته شود.

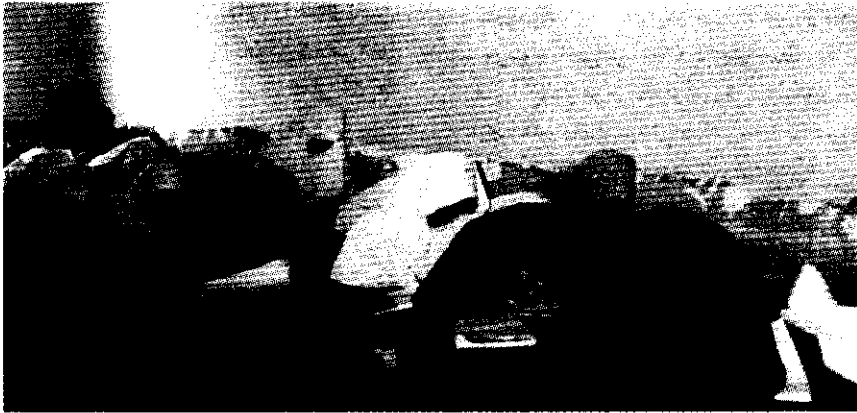
- معلم با توجه به نقاط قوت، نقاط ضعف، مشکلات، توانایی‌ها و خصوصیات دانش‌آموزان، آن‌ها را برای امتحان آینده آماده کند و به آنان القا نماید که هدف از امتحان کمک به یادگیری بهتر آن‌هاست.

- در فواصل مختلف، در طول سال تحصیلی، امتحان به طور مستمر انجام شود تا دانش‌آموزان از وضعیت جدید خود آگاه شوند.

به هر حال چنانچه نگرش مطلوب نسبت به امتحان در دانش‌آموزان ایجاد نشود، نگرش منفی در آنان رشد می‌یابد و آثار عاطفی ناشی از این نگرش نه تنها رغبت و انگیزه آنان را زایل می‌کند بلکه موجبات از بین رفتن اعتماد به نفس آنان را نیز فراهم می‌نماید که خود منشاء اضطراب دانش‌آموز در هنگام امتحان و مطالعه خواهد بود.

تدوین و تدریس می‌شود. چنانچه بر اثر تدریس، هدف‌های درسی در رفتار دانش‌آموزان متجلی و تغییرات لازم ایجاد شود، می‌توان گفت هدف‌های آموزش متحقق شده است. اما نکته‌ای که در این زمینه وجود دارد این است که اغلب دانش‌آموزان نمی‌دانند معلم از آنان چه انتظاری دارد. آن‌ها نمی‌دانند که چه نوع مهارت‌هایی را باید کسب کنند و به چه پرسش‌هایی باید پاسخ دهند. دانش‌آموزان معمولاً وقتی متوجه این هدف‌ها می‌شوند که با سؤالات امتحانی روبه‌رو می‌شوند. یعنی با دیدن سؤالات امتحانی به هدف‌های معلم و درس مربوط پی می‌برند. بنابراین مناسب‌تر است که معلم در هنگام تدریس و یا پس از آن پرسش‌هایی را مطرح کند که دانش‌آموزان به شناخت اهداف درس رهنمون شوند و برای ادامه درس و مطالعه مطالب مورد نظر برانگیخته و هدایت گردند.

نکته‌ای که نباید از یاد ببریم توجه داشتن به این امر است که اگر چه مطرح کردن نمونه سؤال توسط معلم برای دانش‌آموزان لازم است و می‌تواند در شناخت اهداف درس به آن‌ها کمک کند، ذکر این سؤال‌ها نباید به حدی برسد که دانش‌آموزان را از مطالعه متن درس بی‌نیاز کند. چرا که مشاهده شده است بعضی از معلمان محترم از هر درس تعدادی سؤال مطرح می‌کنند و به نوعی به دانش‌آموزان القا می‌شود که اگر جواب سؤالات داده شده را بدانند، دیگر احتیاجی به خواندن متن نیست. این امر در حقیقت فعالیت خواندن، توجه کردن، تمرکز کردن، درک کردن و چگونگی طرح سؤال توسط دانش‌آموز را از وی سلب می‌کند؛ چشمه خلاقیت را در او خشک و او را به خواننده و از برکننده تعدادی سؤال از پیش تعیین شده تبدیل می‌کند. در حالی که دانش‌آموز باید بتواند از آموخته‌های خود در موقعیت‌های مختلف و هنگام برخورد با سؤال‌های جدید استفاده کند، کاری که مستلزم تجربه‌ای است که باید خود دانش‌آموز به دست آورد.



مثال: چنانچه در کلاسی با دانش‌آموزان عادی، اکثر دانش‌آموزان در امتحان موفق نشده باشند نمی‌توان این عدم توفیق را تنها ناشی از دانش‌آموز دانست، بلکه باید علت را در روش تدریس، عدم تناسب محتوا با ویژگی‌های دانش‌آموزان، عدم صراحت هدف‌های آموزشی و عدم امکانات آموزشی نیز جست‌وجو کرد. به این ترتیب معلم می‌تواند با تجزیه و تحلیل نتایج امتحان از میزان کارایی روش تدریس و مهارت خود در این امر نیز ارزیابی به عمل آورد و در اصلاح نقاط ضعف کار خود گام‌های صحیح و اساسی بردارد.

۶- ملاک ارتقای دانش‌آموزان و طبقه‌بندی آنان علاوه بر اهداف ذکر شده، در بعضی نظام‌های آموزشی از امتحان به عنوان وسیله‌ای برای تعیین سطح اطلاعات و آسادگی دانش‌آموزان استفاده می‌شود. یعنی بر اساس نتایج به دست آمده آن‌ها را برای آموزش‌های خاص گزینش و یا به گروه‌های مشابه طبقه‌بندی می‌کنند. هدف از این طبقه‌بندی آن است که برای هر گروه برنامه و روش تدریس ویژه‌ای متناسب با آن گروه تدارک دیده شود.

عادی‌ترین استفاده از نتایج امتحان که تقریباً در کلیه نظام‌های آموزشی دنیا معمول می‌باشد، این است که به عنوان ملاکی برای ارتقای دانش‌آموز از یک کلاس به کلاس بالاتر یا از یک دوره به دوره دیگر به کار می‌رود. البته باید اذعان کنیم که متأسفانه شماری از

۲- تصمیم‌گیری برای شروع مراحل بعدی تدریس

یادگیری جریانی است که بر اساس آموخته‌ها و دانسته‌های قبلی صورت می‌گیرد. به همین علت بایسته است که معلم برای شروع آموزش از میزان دانسته‌های قبلی دانش‌آموزان در موضوع مورد نظر اطلاع یابد. این اطلاع از طریق امتحان به دست می‌آید. هم چنین در هر یک از مراحل تدریس معلم نیاز دارد بداند که دانش‌آموزان مطالب تدریس شده را به چه میزان آموخته‌اند. آیا آمادگی لازم را برای آموختن مطالب بعدی کسب کرده‌اند یا خیر؟ به هر حال معلم بر اساس نتایج امتحان تصمیم می‌گیرد که مرحله بعدی تدریس را شروع کند یا بعضی از نکات دروس قبلی را مجدداً تدریس کند.

۳- اصلاح روش تدریس

نتایج حاصل از امتحان علاوه بر آن که میزان پیشرفت دانش‌آموزان و نقاط ضعف و قوت آنان را برای معلم و دانش‌آموزان مشخص می‌کند، می‌تواند میزان و سطح کارایی روش تدریس معلم را نیز به او نشان دهد. بعضی از اوقات عدم پیشرفت و عدم موفقیت اکثر دانش‌آموزان در امتحان را نمی‌توان فقط به خود آن‌ها و فعالیتشان نسبت داد. بلکه در بیش‌ترین موارد چنین امری ناشی از روش‌های تدریس نامناسب و بعضی از عوامل احتمالی دیگر است. برای

دانش‌آموزان مطالب را به طور عمیق و بعضی به صورت سطحی می‌آموزند و حتی سطح یادگیری هر دانش‌آموز در هر مرحله از آموزش نیز یکسان نیست. بلوم هدف‌های تربیتی در حیطه شناختی (شامل مهارت‌ها و توانایی‌های عقلی و ذهنی) را به شش سطح طبقه‌بندی نموده است. این طبقه‌بندی که معروف‌ترین طبقه‌بندی هدف‌های آموزشی است به ترتیب از سطوح پایین به بالا به شرح زیر است:

۱- دانش ۲- فهمیدن ۳- کار بستن ۴- تجزیه و تحلیل ۵- ترکیب ۶- ارزشیابی و قضاوت.

۱- دانش: در این سطح که پایین‌ترین سطح یادگیری است، از دانش‌آموز انتظار می‌رود همان مطلبی را که آموخته است عیناً به صورت حفظ کردن، به یاد آورد و بازگو کند یا اطلاعاتی را به ذهن بسپارد و موقع امتحان آن‌ها را به خاطر بیاورد و بازشناسی کند. بنابراین یادگیری در این سطح صرفاً جنبه حفظی دارد. ۲- فهمیدن: در این سطح از یادگیری از دانش‌آموز انتظار می‌رود که بتواند به مفهوم یک یک مطلب پی ببرد و آن را با جملاتی که خودش می‌سازد بیان کند، بدون این که در معنی و محتوای آن دگرگونی حاصل شود. ارزش یادگیری در این طبقه بیش‌تر از مرحله قبل است، زیرا مطالب عمیق‌تر یاد گرفته شده‌اند و مطالبی که با فهمیدن یاد گرفته شوند، معمولاً دیرتر فراموش

معلمان و والدین تنها هدف ارزشیابی را همان تعیین نمره دانش‌آموزان برای ارتقای آنان به کلاس‌های بالاتر می‌دانند و پس. این در حالی است که از نقش‌ها و اهداف دیگر امتحان غفلت می‌ورزند. چه بسا دانش‌آموزانی که یادگیری و پرورش استعدادشان با همین نگرش‌های منفی معلمان و والدین متوقف شده و اکنون جامعه ما از خدمات مناسب‌تر و بالاتر آنان بی‌بهره مانده است!

امتحان و سنجش سطوح یادگیری

قبل از هر سخن مناسب‌تر است که بدانیم منظور از یادگیری چیست. یادگیری "به طور خلاصه یعنی" تغییر رفتار". بنابراین وقتی می‌توان گفت فرد مطلبی را یاد گرفته است که در اثر دریافت آموزش رفتارش تغییر کرده باشد. به عبارت دیگر از نظر تربیتی و روان‌شناختی دانش‌آموزی که به علت حضور در کلاس و یا مطالعه، مطالب درسی را حفظ کرده، در امتحان نیز قبول شود اما در رفتارش هیچ تغییری نسبت به قبل حاصل نشده باشد، در حقیقت آن مطلب را یاد نگرفته است.

یادگیری بر اساس هدف‌های آموزشی و تربیتی متفاوت و دارای سطوح مختلف است و بر همین اساس پرواضح است که یادگیری دانش‌آموزان همیشه در یک سطح و اندازه نیست. به عبارت دیگر بعضی از



می‌شوند.

است که از یادگیری آنان در سطوح بالای یادگیری (کار بستن، تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزشیابی) به ظهور می‌رسد. به همین علت دانش‌آموزان نیز به همین روش خو گرفته‌اند، به گونه‌ای که اگر معلمی بخواهد سطوح بالاتر یادگیری را مدنظر قرار دهد، در مرحله نخست با مقاومت دانش‌آموزان روبه‌رو می‌شود. اما واقعیت آن است که چنانچه بخواهیم استعداد و خلاقیت آینده‌سازان کشورمان شکوفا شود، لازم‌ه‌اش توجه به سطوح بالاتر یادگیری در دانش‌آموزان است.

توصیه‌هایی برای یادگیری بهتر و آمادگی

دانش‌آموزان برای امتحان

- اهداف درسی را برای دانش‌آموزان به طور صریح و روشن مشخص کنیم.

- در صورت امکان شیوه مناسب مطالعه در هر درس را به دانش‌آموزان ارائه کنیم.

- به عنوان نمونه شیوه پرسش خود را از مطالب تدریس شده برای دانش‌آموزان مشخص کنیم.

- در پرسش‌های کلاسی خود نیز بر سطوح مختلف یادگیری تأکید کنیم. برای مثال از دانش‌آموزان بخواهیم که مطالب را پس از فهمیدن به زبان خود بازگو کنند، به سؤالات پاسخ گویند و پس از تجزیه و تحلیل موضوع، نظر خود را نیز ارائه کنند.

- با توجه به هدف و زمان امتحان، از شکل‌های مختلف آزمون (تستی، تشریحی، کوتاه پاسخ، صحیح-غلط و...) در جای خود استفاده شود.

توصیه‌ها در اجرای بهتر امتحانات

- جلسه امتحان را با کلام زیبا و آرامش‌بخش الهی (قرآن کریم) شروع کنیم.

- به دانش‌آموزانی که در مورد میزان دشواری یا سادگی امتحان سؤال می‌کنند پاسخ دهیم که چنانچه درس مورد نظر را مطالعه کرده باشند سؤالات امتحان ساده است.

محیطی که قرار است امتحان در آن برگزار شود از جنبه‌های مختلف: نور کافی، صداهای مزاحم، واضح

۳- کار بستن: در این طبقه دانش‌آموز علاوه بر فهمیدن مطالب می‌تواند اصول علمی، فرضیه‌ها، روش‌ها و مفاهیم را در شرایط و موقعیت‌های مناسب به کاربرد و با استفاده از آن‌ها و بدون راهنمایی و کمک گرفتن، مسأله جدید داده شده را حل کند.

۴- تجزیه و تحلیل: در این سطح دانش‌آموز علاوه بر مهارت فهمیدن و کار بستن، می‌تواند پدیده‌ای را به اجزای تشکیل دهنده آن تجزیه کند و ارتباط بین اجزا را با یکدیگر مشخص کند. بنابراین در این مرحله چرهای، دلایل و علت‌ها، استنباط و بیان می‌شوند.

۵- ترکیب: در این مرحله دانش‌آموز می‌تواند اجزای یک پدیده و ارتباطی را که بین آن‌ها در مرحله قبل تشخیص داده بود به شیوه‌ای نو و جدید بازسازی کند. به عبارت دیگر می‌تواند با فرضیات و پیش‌دانسته‌ها خلاقیت و ابتکاری را در مورد خاص از خود نشان دهد.

۶- ارزشیابی و قضاوت: این مرحله بالاترین و آخرین مرحله شناخت در یادگیری مطالب است. به عبارت دیگر ارزشیابی شامل داوری و قضاوت کردن درباره روش‌ها، اندیشه‌ها و راه‌حل‌هاست. دانش‌آموز در این مرحله که همه سطوح قبلی یادگیری را گذرانده است، در مورد دو نظریه یا دو راه حل قضاوت می‌کند و آن‌ها را مورد انتقاد قرار می‌دهد.

با امتحان گرفتن از دانش‌آموزان به شیوه‌ای صحیح می‌توانیم بسنجیم که دانش‌آموزان مطالب آموزشی مورد نظر را در کدام یک از سطوح یادگیری آموخته‌اند. سپس بر آن اساس روش‌های مناسب را برای بالابردن سطح یادگیری آنان انتخاب یا طراحی کنیم و به کار ببریم. اما متأسفانه روشی که در بیش‌تر کلاس‌های مدارس ما رایج شده این است که سؤالات امتحانی معمولاً تا سطح دوم یادگیری (فهمیدن) طرح می‌شوند و به همین ترتیب سطح یادگیری را نیز تا همین درجه می‌سنجند و در نتیجه به سطوح بالاتر یادگیری کم‌تر توجه می‌شود. این در حالی است که رشد و پرورش استعدادها و خلاقیت فکری دانش‌آموزان نتیجه‌ای

می‌کنیم سعی کنیم آن را به خاطر داشته باشیم و به لحاظ کسب اطمینان بهتر است آن را در جایی (دفتر مخصوص خودمان) یادداشت کنیم.

- اگر زمانی را برای امتحان تعیین کرده‌ایم، در وقت مقرر از هر جهت آماده برگزاری آن باشیم و سؤالات مناسب امتحان را قبل از حضور در کلاس آماده کنیم. در غیر این صورت چنانچه سؤالات امتحان به هر دلیل از قبل آماده نشده باشد و معلم بخواند فی‌البداهه با گرفتن کتابی از دانش‌آموزان سؤالاتی را با عجله برای دانش‌آموزان طرح کند، واضح است که سؤالات او پختگی مطلوب را نخواهد داشت و ارزش امتحان از دست خواهد رفت. هم چنین روش دیگری که ممکن است عده کمی از معلمان آن را به کار ببرند این است که یک سؤال مطرح می‌کنند و دانش‌آموزان را وادار می‌کنند تا به سؤال اول جواب دهند. سپس معلم در این فاصله سؤال بعدی را آماده می‌کند. در این طریق نیز سؤالات از هر نظر استاندارد نخواهد بود. اضافه بر آن تمرکز حواس دانش‌آموزان را در پاسخ گویی به سؤال‌ها بر هم خواهد زد و بالاخره نتایج امتحان قابل استناد نخواهد بود.

- میزان دروس و تکالیف ارائه شده به دانش‌آموزان با توجه به توان آنان انتخاب و در نظر گرفته شود. به عبارت دیگر به عنوان دبیر یا معلم تکالیف هر درس را در کنار تکالیف دیگر دروس ببینیم و واگذار کنیم.

- چنانچه در ضمن تدریس به طور اصولی پی بردیم که محتوای درس با ویژگی‌های دانش‌آموزان و میزان وقت اختصاص داده شده برای کلاس تناسب ندارد، نظریات خود را به همراه دلایل منطقی به مراجع و مسؤولان ذی‌صلاح منعکس کنیم تا در اصلاح محتوا مورد استفاده قرار گیرد.

توصیه‌هایی برای تصحیح و تجزیه و تحلیل امتحان

- برای تصحیح اوراق امتحانی همه دانش‌آموزان، از روشی یکنواخت و مناسب استفاده کنیم.

- در هنگام تصحیح اوراق امتحانی نقاط قوت و ضعف دانش‌آموز را به طور خلاصه در برگه او

بودن صدای بلندگو و رسایی آن، گرما، سرما، صندلی‌ها، و غیره مورد بررسی قرار گیرد تا از هر نظر برای دانش‌آموزان مناسب باشد.

- در هر زمان و بلاخص هنگام امتحانات یا دانش‌آموزان برخوردار مناسب و پسندیده‌ای داشته باشیم، چون در این زمان اضطراب بیش‌تری دارند.

- در طول مدت امتحانات پایانی چنانچه کلاس‌های درس نیز تشکیل می‌شود، تا حد امکان کم‌تر به پرسش دروس دیگر بپردازیم.

- حتی‌الامکان در جلسه امتحان درس مربوط به خود حضور داشته باشیم و آن را به دیگران واگذار نکنیم.

- دقت کنیم برگه سؤالات با خط خوانا و به شیوه مناسبی حروفچینی و تکثیر شده باشد.

- در موقع نظارت در جلسه امتحان دائماً در حال حرکت نباشیم، بلکه جایی مناسب را که نظارتی کامل بر دانش‌آموزان داریم انتخاب کرده، گاهگاهی تغییر مکان بدهیم.

- در موقعی که دانش‌آموزان مشغول پاسخ‌گویی به سؤالات هستند بالای سر و یا کنار دانش‌آموزی نایستیم، زیرا مانع تمرکز حواس او خواهیم شد.

- اگر احساس کردیم که دانش‌آموزی در جلسه امتحان دچار اضطراب شده، به او نزدیک شویم و به وی روحیه بدهیم.

- اجازه دهیم دانش‌آموزان از همه وقت اختصاص داده شده به امتحان استفاده کنند. حتی اگر اکثر دانش‌آموزان برگه‌های خود را تحویل داده باشند.

- چنانچه متوجه شدیم که سؤالاتی برای یک یا دو دانش‌آموز ابهام دارد، توضیحات لازم را به منظور رفع ابهام برای کلیه دانش‌آموزان ارائه کنیم.

- به دانش‌آموزان یادآوری کنیم که پس از پایان پاسخ دادن به سؤال‌ها یک مرتبه کلیه جواب‌ها را بازخوانی کنند تا بدین طریق چنانچه سؤالی را به علت خطای چشم پاسخ نداده‌اند، متوجه شده، پاسخ دهند.

توصیه‌ها در امتحانات کلاسی یا تکوینی - چنانچه برای برگزاری امتحان زمانی را مشخص



مشخص کنیم.

امتحانات را با آرامش بیش تر و با کیفیت بالاتری بگذرانند و در نهایت به پیشرفت تحصیلی مناسبی دست یابند؟

برای پاسخ دادن به سؤالات مطرح شده و یا به عبارت دیگر برای بیان نقش و وظیفه‌ای که لازم است والدین برای موفقیت فرزندشان در امتحان ایفا نمایند، توصیه‌هایی در سه دسته ارائه می‌گردد. رعایت این نکات توسط والدین موجب می‌شود که فرزند دلبندشان امتحانات بهتری را تجربه کند و زنگار ترس و اضطراب از امتحان را به تدریج، با شادی حاصل از موفقیت در امتحانات، بزداید.

الف: در ایجاد نگرش مطلوب نسبت به امتحان

۱- به عنوان والدین سعی کنیم برای این سؤال که "امتحان از نظر ما چه اهمیتی دارد؟" پاسخ صحیح یافته، رفتار مناسبی داشته باشیم. بر این اساس چنانچه طرز برخورد ما با فرزند در مورد امتحان به عنوان امری برای شناخت میزان یادگیری مطالب و رفع نواقص آن باشد، مشکلی نیست. اما در صورتی که نسبت به امتحان تأکید خاصی داشته باشیم و فرزند خود را مورد خطاب قرار داده، در مورد امتحان به او هشدار دهیم، موجبات ترس و اضطراب از امتحان را در وی فراهم آورده‌ایم.

۲- امتحان را در نظر دانش‌آموز بیش از حد بزرگ جلوه ندهیم، بلکه از امتحان به عنوان راهی برای تعیین سطح یادگیری و رفع مشکلات درسی سخن بگوییم.

- چنانچه اکثر جواب‌های دانش‌آموزان به سؤال یا سؤالاتی، نادرست و یا ناقص است در روش تدریس خود تجدید نظر و آموزش را کامل کنیم.

- نتایج کلی امتحان را جمع‌بندی و تجزیه و تحلیل کنیم تا بر اساس آن بتوانیم قضاوت بهتری در مورد نتایج آن داشته باشیم.

- دقت کنیم که نمره دانش‌آموز در یک درس نمره پیشرفت و یادگرفته‌های او در آن درس است نه نمره شخصیت او.

- برگه‌های امتحان دانش‌آموزان را در اولین فرصت ممکن به آنها برگردانیم تا از وضعیت پیشرفت خود آگاهی یابند.

- چنانچه در تصحیح اشتباهاتی (نظیر: اشتباه در جمع کردن نمرات، فراموش شدن تصحیح یک سؤال به علت خطای چشم و...) توسط ما رخ داده باشد، بپذیریم و حق دانش‌آموز را به او برگردانیم.

نقش والدین در امتحانات فرزندان

اکنون که در مورد اهداف امتحان، نقش معلمان و دست‌اندرکاران مدارس به منظور برگزاری بهتر امتحانات و استفاده مناسب‌تر از نتایج آن مطالبی بیان شد، این سؤالات مطرح می‌گردد که نقش و مسؤولیت والدین محترم در مورد امتحانات فرزندان چیست؟ آن‌ها در مورد امتحان باید چه موضعی داشته باشند؟ والدین چه نکاتی را باید رعایت کنند تا فرزندانشان

بلکه فعالیت او در زمینه فلان درس و امتحان در حد نمره‌ای است که به دست آورده است.

ب: در برنامه‌ریزی امور و اداره محیط خانواده

۱- در امور خانواده لازم است برنامه‌ریزی کنیم تا هر چیز به جای خود، در وقت خود و متناسب با وضعیت فرزند و امکانات موجود در خانه رعایت شود. برای مثال لازم است دانش‌آموزان در هنگام امتحانات بیش‌تر از غذاهایی استفاده کنند که مقوی، کم حجم و سهل‌الهضم باشند. تفریح فرزندان، برنامه رفتن به مهمانی و یا مهمانی دادن، خواب و استراحت کافی و منظم به میزان حداقل ۸ تا ۱۰ ساعت در هر شبانه روز، به خصوص در شب‌های امتحان نیز باید مورد عنایت قرار گیرد.

۲- توجه داشته باشیم که خود فرزندان نیز دغدغه و نگرانی امتحان را همانند والدین و حتی بیش‌تر از آنان دارند، بنابراین ضروری است به جای تذکر و سرزنش آنان، روحیه آن‌ها را تقویت کنیم.

۳- همیشه و در هر حال، به خصوص در هنگام امتحانات، فضای خانه را آرام نگه داریم. از جر و بحث‌های مختلف تحت هر عنوان پرهیز کنیم و در حد امکانات محل مناسبی برای مطالعه فرزند خود مهیا کنیم.

ج: راهنمایی فرزندان قبل از امتحان

۱- فرزندان را راهنمایی کنیم تا برای مطالعه خود برنامه منظمی تهیه کنند و مطالب درسی را به طور مستمر در طول سال تحصیلی بیاموزند. زیرا مطالبی را که باید در طول چند ماه آموخته شود، نمی‌توان یکباره در شب امتحان آموخت. علاوه بر آن خستگی بیش از اندازه نیز عارض دانش‌آموز می‌گردد. بنابراین توصیه می‌کنیم که به طور مداوم، مطالعه روزانه داشته باشند و در روز تعطیل آخر هفته نیز مطالب قبلی را مرور کنند. به زبان دیگر، زمان آماده شدن برای امتحان از هنگام تدریس اولین درس شروع می‌شود، نه شب امتحان.

۲- از فرزندان خود بخواهیم مطالب درسی را تا حد امکان به زبان خود بیان کنند نه به زبان کتاب و عین

در این صورت دانش‌آموز امتحان را به عنوان عامل مثبت در تحصیل می‌شناسد، نه عامل منفی که هدف آن می‌گیری اوست.

۳- اهداف امتحان را برای فرزند خود بازگو کرده، به روشنی مفهوم امتحان را به او تفهیم کنیم تا در نهایت به دلیل یادگیری مطلب درسی، مطالعه و فعالیت کند، نه برای امتحان و کسب نمره. به عبارت دیگر از راه طبیعی علاقه به یاد گرفتن را در وی ایجاد کنیم نه با ترساندن از امتحان.

۴- توجه داشته باشیم که میزان و سطح یادگیری مطالب درسی توسط فرزندمان، دارای اهمیت است نه نمرات بالای او در امتحان. چه بسا فرزندی که نمرات بالایی در امتحانات آورده‌اند، اما مطالب درسی را پس از گذشت چند روز فراموش کرده‌اند و چه بسیار دانش‌آموزانی که در امتحان نمره بالایی نیاورده‌اند ولی مقدار قابل توجهی از مطالب درسی را به خوبی آموخته و آن را به طور عملی تجربه نموده‌اند.

۵- فرزند خود را از نظر نمره‌های امتحانی با دوستان و همسالان و فرزندان بستگان و همسایگان مقایسه نکنیم. چه، این مقایسه موجب ایجاد ذهنیت منفی در او نسبت به امتحان شده، به تدریج اعتماد به نفس او را نیز از بین می‌برد.

۶- قبل از امتحان، با دادن وعده‌هایی نظیر: "اگر در این امتحان فلان نمره را بگیری، فلان جایزه را برایت تهیه می‌کنم،" فرزند خود را تحت فشار و اضطراب درونی قرار ندهیم. بلکه همیشه این‌طور اظهار کنیم که: "تو سعی و تلاش خود را بکن تا بتوانی مطالب را خوب بگیری."

۷- در مورد امتحان طوری با فرزند خود رفتار کنیم که او بتواند نظریات و نگرانی‌های خود را در مورد آن آشکارا بیان کند، حتی اگر شکست خورده باشد. در چنین وضعیتی لازم است علت‌ها را شناسایی کرده، او را راهنمایی کنیم تا از طریق برنامه‌ریزی مناسب، ضعف‌های خود را شناسایی کند و با برطرف نمودن آن‌ها بر میزان یادگیری خود بیفزاید.

۸- توجه داشته باشیم، فرزندی که نمره خوبی در امتحان کسب نکرده از نظر شخصیتی فرد بدی نیست،

وقت را در نظر داشته باشند و برای جواب دادن به سؤالات، وقت خود را تنظیم نمایند تا با کمبود آن مواجه نشوند.

۱۰- در جلسه امتحانات تشریحی پس از گرفتن سؤالات امتحان آن‌ها را یک مرتبه با سرعت بخوانند و از سؤالاتی شروع کنند که در جواب دادن به آن‌ها اطمینان بیش‌تری دارند.

سخن آخر

در این نوشته اهداف امتحان و سطوح یادگیری به همراه توصیه‌هایی چند در جهت برگزاری امتحانات و بهره‌مندی از نتایج آن، برای معماران تعلیم و تربیت یعنی مدیران، معلمان، والدین و خانواده‌ها ارائه شد. اما آنچه باید همیشه در خاطر داشته باشیم این است که ما والدین و مربیان، برای توفیق در امور تعلیم و تربیت و آموزش فرزندان خود لازم است با یکدیگر به طور هم‌آهنگ عمل کنیم. به عنوان نمونه: در صورتی نگرش مطلوب و مناسب نسبت به امتحان در دانش‌آموز حاصل می‌گردد که نه تنها همگی مدیران، مربیان، دبیران و دست‌اندرکاران مدرسه توصیه‌های مربوط را رعایت نمایند، بلکه والدین و معماران تعلیم و تربیت در خانه نیز توصیه‌های مربوط را مدنظر داشته باشند. در غیر این صورت نگرش مورد نظر به گونه‌ای کم‌رنگ‌تر حاصل خواهد شد و در بعضی از مواقع نیز دانش‌آموز را با تعارض روبه‌رو می‌کند. بنابراین هم‌آهنگی در تعلیم و تربیت یک اصل است و رعایت آن بر همه عواملان تربیت ضروری و لازم.

جملات کتاب. بنابراین هنگامی که از آنان درس می‌پرسیم تأکید کنیم که به همین روش پاسخ دهند.

۳- از فرزندان بخواهیم که از متن درس چند سؤال طرح کنند و حدس بزنند که کدام یک می‌تواند سؤال خوبی برای امتحان باشد. در این مورد سعی کنند دلیل خود را بیان کنند.

۴- آن‌ها را توجه دهیم که در صورت امکان مطالب درسی را با دوستان هم کلاسی خود بحث نمایند. لازمه بحث کردن آن است که اول درس را بخوانند، سپس فکر کنند و نظر و جواب خود را تنظیم و ارائه نمایند. این امر به نظم فکری آن‌ها کمک می‌کند.

۵- گاهگاه درخانه از آن‌ها امتحان بگیریم و بعضی از اوقات نیز تصحیح ورقه را به خودشان بسپاریم و فقط بر کار آن‌ها نظارت غیرمستقیم داشته باشیم تا خود متوجه اشکالات خودشان شوند.

۶- توصیه کنیم که برگه امتحانات قبلی خود را بازبینی کنند و ضعف‌ها و قوت‌های خود را بیابند و در مواردی که ضعف داشته‌اند تمرینات بیش‌تری انجام دهند.

۷- توصیه کنیم که وسایل لازم در امتحان از قبیل: خودکار، مداد، پاک‌کن، تراش، پرگار و غیره را قبل از خارج شدن از منزل بازبینی نمایند و از کامل بودن وسایل مورد نیاز خود مطمئن شوند.

۸- در روزهای امتحان، به خصوص اگر امتحان در ساعت اول ورود به مدرسه انجام می‌گیرد، کمی زودتر از وقت معمول از خانه حرکت کنند تا به موقع در جلسه امتحان حضور یابند.

۹- آنان را توجه دهیم که در هنگام شروع امتحان،

منابع:

- ۱- پاشا شریفی، حسن: سنجش و اندازه‌گیری در آموزش و پرورش و روان‌شناسی، انتشارات اشراقی.
- ۲- جهانگرد، بدالله: ما و کودکان دبستانی، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- ۳- سیف، علی‌اکبر: روان‌شناسی پرورشی، انتشارات آگاه، ۱۳۷۱.
- ۴- شعبانی، حسن: مهارت‌های آموزشی و پرورشی، انتشارات سمت، ۱۳۷۱.
- ۵- صفوی، امان‌الله: کلیات روش‌ها و فنون تدریس، انتشارات معاصر، ۱۳۷۱.